



آنچه ما را خونسرد می‌کشد

افتضاح تازه موساد در ترور
یکی از اعضای حماس در دویبی

به خودشان حق می‌دهند به کشوری وارد شوند، کسی را تعقیب کنند، وارد اتاق او در هتل شوند و راحت بکشندش. قتل محمود عبدالرئوف در ظاهر برای رژیم صهیونیستی یک موفقیت ترور بستی بود، اما نشان داد رژیم صهیونیستی تنها با اتکا به ترور، هویت خود را تعریف می‌کند. مدتی است - دقیقاً از سال ۱۹۷۴ و بعد از رسوایی واترگیت - که پسوند گیت را برای نامیدن رسوایی‌های بزرگ سیاسی به کار می‌برند. اما رسوایی اخیر موساد در دویبی را نمی‌شود دویبی گیت نامید؛ نه برای اینکه به حد کافی بزرگ نیست؛ بلکه چون پیش از این یک برج ۴۰ طبقه در دویبی ساخته‌اند که نامش دویبی گیت است.

وقتی در دویبی از جاده فرودگاه به خیابان کازابلانکا بپیچی، دست چپ، بعد از اولین تقاطع، هتل پنج ستاره البوستان روتانا را می‌بینی. در فهرست هتل‌های زنجیره‌ای روتانا در دویبی، دست کم ۱۲ هتل دیگر هم هست، که همه کم و بیش هتل‌هایی مشهور و مقبول هستند، اما هتل البوستان چندی است که شهرتی اضافی نیز پیدا کرده است؛ دوربین‌های امنیتی این هتل توانسته‌اند چهره‌های ۱۱ نفر را که در

ربودن، شکستجه و قتل محمود عبدالرئوف دست داشته‌اند ضبط کنند. این ۱۱ تروریست عملیات خود را در روز ۳۰ دی ماه ۱۳۸۸ انجام دادند. محمود عبدالرئوف مشهور به المبحوح از فرماندهان نظامی حماس و نیز از بنیان‌گذاران گردان‌های عزالدین قسام بود و در چندین عملیات بر علیه رژیم صهیونیستی دخالت داشت. محمود چیزی حدود پنجاه سال پیش از ترورش، در اردوگاه جبالیا در غزه متولد شده بود؛ دقیقاً اگر بگوییم، در تاریخ ۲۵ بهمن ۱۳۳۸. پدرش عبدالرئوف را ۱۲ سال پیش، از عسقلان به اردوگاه کوچانده بودند. محمود پنجمین پسر او بود و او بعد از محمود نه پسر دیگر هم داشت، این ۱۴ برادر البته تنها دو خواهر داشتند. محمود در این شرایط کار درس و مدرسه‌اش را تا دیپلم مکانیک پیش برد و بعد یک مغازه مکانیکی در خیابان صلاح‌الدین باز کرد. حضور صهیونیست‌ها طعم تلخی برای اعراب دارد و شاید برای همین صلاح‌الدین نامی است که می‌توانی مطمئن باشی در هر شهر عربی‌ای خیابانی به این نام خواهی یافت؛ یادآور پیروزی‌ای در دور دست‌های تاریخ. باز کردن مغازه مکانیکی تقریباً تنها کاری بود که

دو ماه بعد از ترور عماد مغنیه، نقشه سوم ترور محمود ناکام ماند. صهیونیست‌ها او را مسموم کردند و او حدود سی ساعت بی‌هوش بود، اما نجات یافت.

خرندانه هشتاد و یک روزنامه پایداری | اسفند ۱۳۸۸

19 JAN 2010 00:30

وقایع نگاری رسوایی دویبی

عملیات ترور شهید محمود عبدالرئوف المبحوح طی ۲۰ ساعت انجام شد. مظنونان حادثه تاکنون ۳۲ نفر اعلام شده‌اند، اما در میان آنها سه نفر اصلی‌ترین نفرت تیم بودند که وظیفه تعقیب و مراقبت را داشتند.

 <p>نام: پتر الوینگر تولد: ۱۰ اکتبر ۱۹۶۰ ملیت: فرانسوی محل اقامت: پاریس</p>	 <p>نام: گیل فولیارد تولد: ۴ آوریل ۱۹۷۹ ملیت: ایرلندی محل اقامت: دوبلین</p>	 <p>نام: کوین داورون تولد: ۲ فوریه ۱۹۷۲ ملیت: ایرلندی محل اقامت: دوبلین</p>
--	--	--

01:21 نیمه‌شب	01:31 نیمه‌شب	02:29 نیمه‌شب	02:36 نیمه‌شب	02:40 نیمه‌شب	10:50 صبح	11:30 صبح	12:18 بعد از ظهر	13:37 بعد از ظهر
فولیارد با پاسپورت‌های ایرلندی و با پرواز ۵۲۶ ایرفرانس از پاریس وارد دویبی می‌شوند.	داورون وارد اتاق ۳۳۰۸ همان هتل - امارات تاورز - می‌شود.	پیترا الوینگر با پاسپورت فرانسوی از زوریخ وارد فرودگاه بین‌المللی دویبی می‌شود.	برای چند دقیقه از فرودگاه خارج می‌شود و دوباره برمی‌گردد. می‌گویند با یک فلسطینی دیدار کرده که الان در بازداشت پلیس دویبی است.	فولیارد دو داورون در دویبی مال، هم‌دیگر را ملاقات می‌کنند.	فولیارد، تنهایی دویبی مال را ترک می‌کند.	داورون با یکی دیگر از مظنون‌ها از دویبی مال خارج می‌شود.	داورون اتاقش در هتل امارات تاورز را تحویل می‌دهد.	



پلیس دبی تمام پاسپورت‌ها را در فرودگاه اسکن کرده بود و این تصاویر شناسایی مظنونین را آسان کرد



ورود به دوی



- هرد فرانسوی ۱۹ ژانویه ۲۰۱۴
- بودن هایمر آلمانی ۱۹ ژانویه ۲۰۱۴
- کیلی بریتانیایی ۱۹ ژانویه ۲۰۱۴
- دراک بریتانیایی ۱۹ ژانویه ۲۰۱۴
- کلارک بریتانیایی ۱۹ ژانویه ۲۰۱۴
- بارنی بریتانیایی ۱۹ ژانویه ۲۰۱۴
- داورسون ایرلندی ۱۹ ژانویه ۲۰۱۴
- فولیارد ایرلندی ۱۹ ژانویه ۲۰۱۴
- هودس بریتانیایی ۱۸ ژانویه ۲۳:۰۰
- میلدینر بریتانیایی ۱۸ ژانویه ۲۳:۰۰
- گراهام بریتانیایی ۱۸ ژانویه ۲۳:۰۰
- اشنور بریتانیایی ۱۸ ژانویه ۲۳:۰۰
- کورمن استرالیایی ۱۸ ژانویه ۲۳:۰۰
- کار بریتانیایی ۱۸ ژانویه ۲۳:۰۰
- کلسی ایرلندی ۱۸ ژانویه ۲۳:۳۵
- الونگر فرانسوی ۱۸ ژانویه ۲۳:۳۵
- برینتون ایرلندی ۱۸ ژانویه ۲۳:۳۵
- حلی ایرلندی ۱۸ ژانویه ۲۳:۳۵
- لاپیر فرانسوی ۱۸ ژانویه ۰۶:۴۵
- بروس استرالیایی ۱۸ ژانویه ۰۶:۴۵
- راسینوکس فرانسوی ۱۸ ژانویه ۰۶:۴۵
- دنینگز ایرلندی ۱۸ ژانویه ۲۳:۳۰



یکی دیگر از تروریست‌ها داده و خود به سرعت از دوی خارج شده است. دوربین‌ها نشان می‌دهند در زمانی که محمود در هتل نبوده، یک نفر از تروریست‌ها پای آسانسور طبقه دوم ایستاده بوده تا بقیه فرصت داشته باشند در اتاق محمود را باز کنند. طبیعتاً یکی دو نفر هم محمود را در تمام مدت در بازارها و مرکز خریدها تعقیب می‌کرده‌اند. احتمالاً در یادداشت‌های این قسمت تروریست‌ها چیز دندان‌گیری پیدا نمی‌شود. فقط چیزهایی شبیه این که «تی شرت ۱۲ پیکس لارج احتمالاً برای عبدالرئوف، ماگ بزرگ احتمالاً برای منی.» و حتی شاید مأمور بعدی پای این یادداشت گذاشته باشد «حساب شش مکالمات تلفنی، ماگ را رنیم سفارش داده بوده است». بالاخره در اتاق را باز کردند، چند نفر از تیم ترور مأمور شدند که در صورت لزوم حواس باقی تروریست‌ها را پرت کنند و ۴ نفر وارد اتاق محمود شدند و منتظر نشستند تا او از راه برسد. دوربین‌ها ورود این چهار نفر را به طبقه دوم - که در آن اتاقی نداشته‌اند - ثبت کرده‌اند. بار بعد، پس از وقوع جنایت چهره این چهار تروریست در دوربین‌ها ثبت شده است. آدم‌هایی با لباس تنیس، مو و عینک‌های بزرگ و ریش‌هایی که در فیلم‌ها دیده بودند و گمان می‌کردند برای چنین کاری لازم است

داشته باشد، نه پنجره‌های قابل باز شدن، تا هیچ کس از هیچ راهی جز در نتواند وارد اتاق شود. محمود دوش گرفت، لباسش را عوض کرد، اسنادی را که همراهش داشت در جای امنی گذاشت و بین ساعت ۴:۳۰ تا ۵:۰۰ از هتل بیرون زد. در سه، چهار ساعت بعد، محمود نه با کسی دیداری کرد، نه عملیاتی انجام داد و نه هیچ کار معنادار دیگری کرد، فقط مثل یک مسافر معمولی در مرکز خریدهای دوی قدم زد و احیاناً چیزهایی خرید. تروریست‌ها اصرار دارند بگویند او در این مدت به سفارت ایران سر زده و چند نفر از اعضای حماس را دیده است. اما شواهد پلیس دوی نشان می‌دهد که او واقعاً در این چند ساعت فقط در حال خرید بوده، و معمولاً یک آدم در یک زمان نمی‌تواند دو جا حضور داشته باشد. ساعت ۸:۲۴ دقیقه محمود به هتل برگشت. نیم ساعت بعد همسرش از غزه تلفن زد، اما او جوابی نداد.

دوربین‌های امنیتی هتل، نشان می‌دهد که تروریست‌ها با پروازهای مختلف از راه رسیدند و در هتل با هم دیدار کرده‌اند. آنها برای اینکه ردگیری نشوند، از وسایل ارتباطی خودشان و نه تلفن‌های همراه معمولی یا تلفن هتل برای مکالمه استفاده کرده‌اند. با این حال پلیس دوی چند پیامک را که به شماره‌های در اثریش فرستاده‌اند رهگیری کرده است. وقتی محمود از راه رسید، ۲ نفر از تروریست‌ها با لباس تنیس در محوطه هتل دنبالش رفتند تا معلوم کنند به کدام اتاق می‌رود و با یکی دیگر از اعضای تیم در هتلی دیگر تماس گرفتند و به او خبر دادند اتاق ۲۳۷ را که نزدیک‌ترین اتاق به اتاق محمود است تلفنی رزرو کنند. دوربین‌های امنیتی نشان می‌دهند که این شخص هرگز وارد اتاق ۲۳۷ نشده، او تنها کلید اتاق را تحویل گرفته، در لابی به

ترور محمود ناکام ماند. صهیونیست‌ها او را مسموم کردند و او حدود ۳۰ ساعت بی‌هوش بود، و بعد نجات پیدا کرد. اما همه می‌دانستند حتی اگر آب از سرازیر رفتن دست بکشند، تیم ترور، از محمود دست نخواهند کشید.

محمود گاه مورد محبت دیگران نیز بود؛ مثلاً تقریباً تمام سال ۱۳۸۲ را در زندانی در مصر گذراند. در زمان آخرین ترورش او تحت تعقیب مصر، اردن و صهیونیست‌ها بود، در سوریه زندگی می‌کرد، اتهامش قاچاق اسلحه به غزه و نیز داشتن روابط حسنه با جمهوری اسلامی ایران و در نهایت برقراری روابط بین ایران و حماس بود. از این‌ها گذشته، او می‌توانست چند روز بعد از ترورش برای ۴ فرزندش پدری ۵۰ ساله باشد.

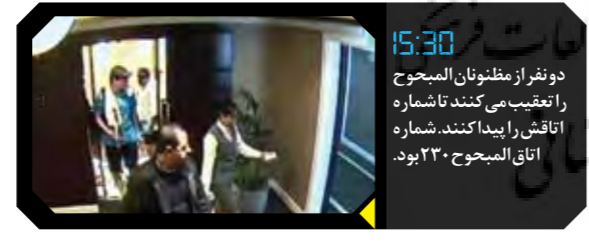
پرواز ۹۱۲ دمشق به دوی هوایی امارات ساعت ۱۰:۰۵ صبح ۳۰ دی در فرودگاه دوی به زمین نشست. تیم ترور، پیش از پرواز می‌دانستند محمود در این هواپیما خواهد بود. این ردگیری یا حاصل این اشتباه بوده است که بلیت هواپیما را اینترنتی خریدند، یا بر اثر این خطا که محمود پیش از پرواز، تلفنی به خانواده‌اش در غزه هتل محل اقامتش را خبر داد. جاسوس‌ها مطمئن بودند محمود با یک گذرنامه جعلی در پرواز ۹۱۲ خواهد بود، اما مسوولان حماس و نیز مقامات دوی اعلام می‌کنند محمود ساعت ۳:۱۵ عصر با گذرنامه خودش وارد دوی شده است. محمود قاعدتاً می‌باید محافظ می‌داشت، اما پرواز ۹۱۲ پر بود و بنا شد محافظانش با تأخیر به او برسند. محمود، حدود ساعت ۳:۲۰ بعد از ظهر در دوی تاکسی گرفت، به هتل بوستان رفت و اتاق ۲۳۰ را گرفت. محمود از قبل تأکید کرده بود که اتاقش نه بالکن

از دست محمود برای گذران زندگی برمی‌آمد. محمود البته در کنار درس و کار، علاقه شخصی‌ای هم داشت؛ بدن‌سازی و یک بار در یک مسابقه بدن‌سازی در نور غزه مقام اول را به دست آورد.

در سال ۱۳۶۲ از دواج کرد و در سال ۱۳۶۵ به جرم داشتن اسلحه در زندان السرا یا زندانش کردند و سال بعد، انتفاضه اول که اوج گرفت، از زندان آزاد شد. آزاد که شد، روابطش را با شیخ احمد یاسین از سر گرفت. شیخ، روحانی‌ای ویلچیر نشین، بنیان‌گذار جنبش مقاومت اسلامی (حماس) و رئیس مجمع اسلامی غزه بود.

در همان زمان‌ها محمود با شیخ صلاح شهاده نیز که بنیان‌گذار گردان‌های عزالدین قسام است روابط دوستانه‌ای داشت و یگان ۱۰۱ را احتمالاً با کمک او ایجاد کرد. محمود در سال ۱۳۶۷ چند عملیات ضد صهیونیستی را هدایت کرد و اسراییلی‌ها بار دیگری خود روی که یک سرباز اسراییلی را پس از اسارت با آن جابه‌جا کرده بودند به نام او رساندند. در اواخر دویبهشت ۱۳۶۸ محمود را به جرم اسیر گرفتن دو نظامی صهیونیست محاکمه کردند. در سال ۱۳۶۹ دادگاه صهیونیستی به ارتش دستور داد خانه محمود را ویران کنند. محمود سال پیش از غزه بیرون زده و به مصر رفته بود، اما اسراییلی‌ها دست از تعقیب او برنداشتند. تعقیبی که ۲۰ سال بعد در هتل بوستان پایان یافت. در این ۲۰ سال صهیونیست‌ها سه بار دیگر هم تلاش کرده بودند تا او را ترور کنند. اولین حمله در سال ۱۳۷۰ بود؛ بمب‌گذاری خودرو. محمود در سال ۱۳۸۳ در دمشق از دومین نقشه عملیات ترور خود باخبر شد و صهیونیست‌ها را ناکام گذاشت. در سال ۱۳۸۷، دو ماه بعد از ترور عماد مغنیه، یکی از فرماندهان نظامی حزب الله لبنان در دمشق، نقشه سوم

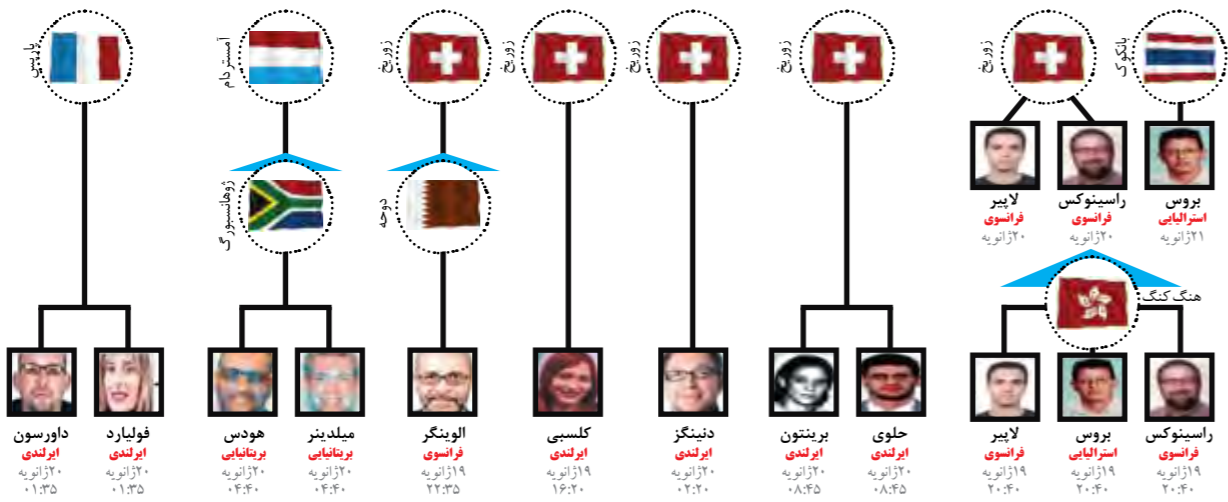
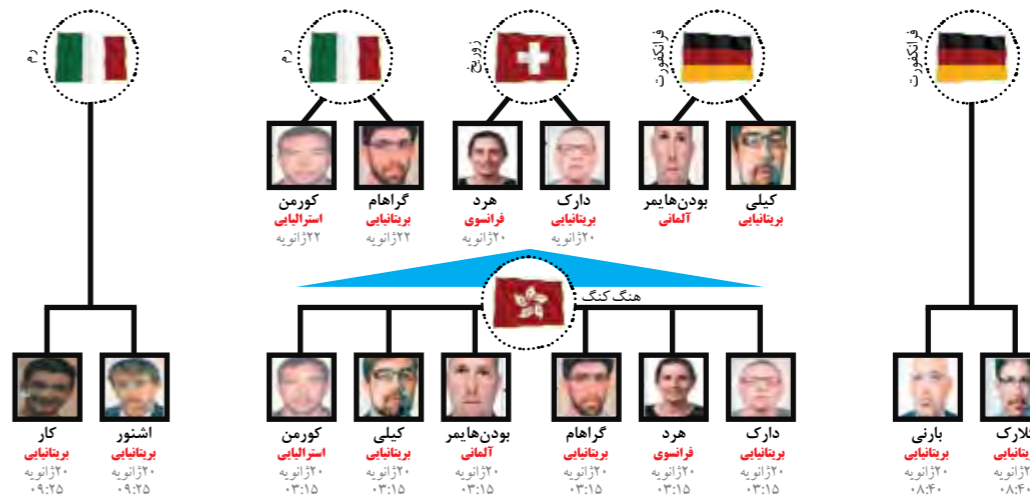
محمود گاه دیگران نیز بود؛ مثلاً تقریباً تمام سال ۱۳۸۲ را در زندانی در مصر گذراند. در زمان آخرین ترورش نیز او تحت تعقیب مصر، اردن و صهیونیست‌ها بود



- 16:16 بعد از ظهر فولیار دهم با چند مظنون دیگر هتل فرمون را به قصد البستان ترک می‌کند.
- 16:14 بعد از ظهر داورون، هتل فرمون را به مقصد البستان ترک می‌کند.
- 16:03 بعد از ظهر یک تیم دیگر نظارت وارد هتل البستان می‌شود.
- 15:51 بعد از ظهر الوینگر به مرکز مخابراتی هتل «کراون» پلازا ۱ می‌رود تا اتاق ۲۳۷ هتل البستان را رزرو کند.
- 15:47 بعد از ظهر فولیار دوازدهم و داورون به بقیه اعضا در فرمون می‌پیوندند.
- 15:25 بعد از ظهر فولیار دهم یکی دیگر از هتل‌های دوی می‌رود تا در حمام تغییر قیافه بدهد. کلاه گیس قهوه‌ای می‌گذارد تا موهای بلندش معلوم نشود. در همین زمان
- 15:23 بعد از ظهر مظنون بعدی به هتل فرمون وارد می‌شود تا به داورون و دیگر مظنونان پیوندند.
- 15:21 بعد از ظهر فولیار دهم اتاقش را در هتل امارات تاورز تحویل می‌دهد.
- 15:20 بعد از ظهر المبحوح سالن فرودگاه را ترک می‌کند و یکی از مظنونان تعقیبش می‌کند.
- 15:19 بعد از ظهر یک تیم نظارت در فرودگاه بین‌المللی دوی منتظر ورود المبحوح می‌شود.
- 14:41 بعد از ظهر الوینگر اتاقش را در هتلش تحویل می‌دهد.
- 14:30 بعد از ظهر یکی از مظنونان تیم نظارت وارد هتل می‌شود و منتظر ورود المبحوح می‌ماند. (مظنون‌ها نمی‌دانستند المبحوح دقیقاً کجا اتاق می‌گیرد،
- 14:21 بعد از ظهر دو مظنون دیگر هم وارد هتل فرمون می‌شوند.
- 14:14 بعد از ظهر داورون وارد هتل «فرمون» می‌شود.
- 14:12 بعد از ظهر اولین تیم نظارت وارد هتل «البستان روتانا» می‌شود. دو مظنون این تیم لباس‌های تنیس پوشیده‌اند.
- 13:45 بعد از ظهر داورون وارد هتل دیگری می‌شود تا در حمام تغییر قیافه بدهد.



خروج ازدوبی



پلیس دوبی گفته است جسد محمود یکی از پیچیده ترین مواردی است که برای بررسی به آنها راجع شده است. در اولین بررسی ها مرگ طبیعی به نظر می رسد. اما بررسی های دقیق تر معلوم کرد او را ابتدا با شوک الکتریکی فلج کرده اند، و بعد خفه کرده اند، به شکلی که هیچ اثری از ضرب و جرح یا فشار، درگیری و مقاومت در بدن او باقی نماند. در عین حال پلیس دوبی تأکید کرده است که تا نیمه اسفند نمی تواند گزارش نهایی خود را ارائه کند. حدس یکی از مقامات پلیس این است که ابتدا شوک را به پای محمود وارد کرده اند و بعد بالشی بر دهانش گذاشته اند تا خفه شود. داستان های دیگری هم هست؛ گفته اند به محمود دارویی داده اند تا دچار حمله قلبی شود، بعد از اسنادی که همراهش بوده عکس گرفته اند و رفته اند. خانواده محمود می گویند پزشکی که جسد را بررسی کرده اند می گویند ابتدا به سرش شوک الکتریکی شدیدی داده اند و بعد خفه اش کرده اند. رویتر هم گزارش داده در کالبدشکافی جسد محمود رد سم پیدا شده است. کسانی هم مدعی هستند که نمونه های خونی که برای آزمایش به فرانسه رفته، نشان داده محمود بر اثر همان شوک اولیه به قتل رسیده است. این ها چه چیزی را نشان می دهند؟ دستپاچگی تروریست ها و به کار بردن پشت سر هم و بی فکر روش های مختلف ترور؟ دستپاچگی بعدی تروریست ها و برنامه ریزی برای ریختن انواع اطلاعات غلط و درست و گیج کردن کسانی که خبرها را دنبال می کنند؟ یا شاید فقط میل بیمارگون آدم هایی ناتوان برای گفتن قصه های ترسناک و بازتاب دادن ذهن بیمارشان در این قصه ها؟

به هر حال پلیس دوبی اعلام کرده که این مرگ قطعاً یک جنایت

است و از پلیس جنایی بین الملل خواسته تا پرونده را تعقیب کند. اما این قاتلان که هستند؟ قدم اول، پلیس دوبی را به اطلاعات گذرنامه های این تیم یازده نفره می رساند؛ شش گذرنامه انگلیسی، سه گذرنامه ایرلندی، یک گذرنامه فرانسوی و یک گذرنامه آلمانی. همه این کشورها با امارات قرار داد لغو رویداد دارند. یعنی دارندگان این گذرنامه ها می توانند بدون رویداد وارد امارات شوند. اما این گذرنامه ها قلابی هستند. معنی این حرف این نیست که صاحبان این گذرنامه ها وجود ندارند، آنها وجود دارند و دست کم شش نفرشان تابعیت دوگانه اسرائیلی-اروپایی دارند، اما کسانی نیستند که چهره شان در دوربین های هتل البوسطن ضبط شده. آن ها می گویند گذرنامه های شان را از دیده اند و از قاتلان به جرم سرقت هویت شکایت کرده اند یا خواهند کرد. قدم بعدی، پلیس را به بررسی کارت های اعتباری سوق داد. دوبی جای است آرام که تقریباً هر حرکت معنادار هر کسی در هر لحظه با شیوه های پیشرفته الکترونیک و بدون اطلاع خودش ثبت می شود و قابل بازبینی است. رد شدن از هر در ورودی، مسأوی است با ثبت بی خبر اطلاعات کارت های اعتباری همراه فرد در آن گذرگاه. بررسی این اطلاعات نشان داده تیم ترور بزرگ تر از این ۱۱ نفر بوده است. پلیس در نهایت به ۳۳ نفر مظنون است و جالب اینکه ۱۴ نفر از این ها از کارت اعتباری متابانک استفاده می کرده اند.

پلیس دوبی راه خود را برای روشن تر کردن هویت تک تک قاتلان و افشای اطلاعات بیشتری از هویت آنان ادامه می دهد. اما این جنایت تنها یک عمل جنایی نیست، حرکتی است که تعادل روابط بین الملل را

در سطح جهانی به هم می زند. او یگدور لیبرمن، وزیر خارجه دست راستی رژیم صهیونیستی که مواضع تندروانه اش حتی بین گروه های قابل توجهی از صهیونیست ها مطرح است، با احتیاط تمام گفت «موساد در قتل خطرناک ترین فردی که اسرائیل دوست داشت کشته شود دست نداشته است». اما پلیس دوبی اعلام کرده حاضر است مکالمه های تلفنی قاتلان را در اختیار بگذارد تا برای همه روشن شود که موساد این عملیات را برنامهریزی و اجرا کرده است. یک روزنامه نگار اسرائیلی مدعی شده که دستور این عملیات را بنیامین نتانیاهو، نخست وزیر رژیم صهیونیستی، در دیداری در دی ماه با میر داگان، رئیس موساد به او داده است. برعکس روند معمول که این گونه عملیات با پیشنهاد رئیس موساد به نخست وزیر و تأیید او انجام می شود.

کشورهای اروپایی این بار واکنشی تندتر از بارهای پیش نشان داده اند. دولت فرانسه کاردار رژیم صهیونیستی را احضار کرد و به او درباره پاسپورت قلابی فرانسوی اطلاع داد. دولت فرانسه در این اطلاع نگرانی شدید خود را درباره سوء استفاده از مدارک رسمی فرانسوی اطلاع داد. وزیر خارجه انگلیس نیز از وزیر خارجه رژیم صهیونیستی خواست گروه تحقیقی با همکاری این رژیم برای بررسی این ترور تشکیل شود، تا دست کم ماجرای گذرنامه های انگلیسی به کار رفته در این عملیات روشن شود. طبیعتاً او یگدور لیبرمن در نهایت خشونت این پیشنهاد را رد کرد. او گفت هر اتفاقی که بیفتد، عرب ها آن را از چشم اسرائیل می بینند. ما دخالتی نداشته ایم و ضرورتی نیست در این تحقیق همکاری کنیم.

اتحادیه اروپا صدور گذرنامه و کارت های اعتباری جعلی توسط رژیم صهیونیستی برای عاملان این ترور در دوبی را محکوم کرد. وزیر امور خارجه امارات، از این اقدام استقبال کرده و آن را احترام به حاکمیت کشور خود دانست.

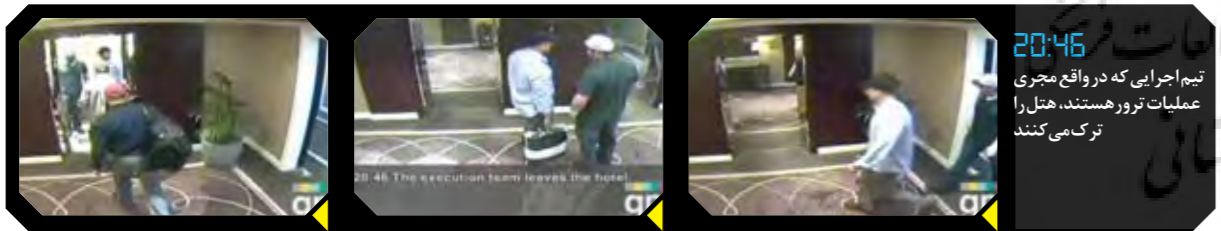
رئیس پلیس دوبی در کنایه ای تند گفت احتمالاً موساد چاپخانه ای برای تولید و جعل گذرنامه های قلابی راه انداخته است. پارلمان اروپا اسرائیل را تهدید کرد که گفت وگوها در زمینه همکاری های دوجانبه را متوقف خواهد کرد.

یان آزلبورن، وزیر خارجه لوکزامبورگ گفت این مسئله ای است که در ۱۰۰ سال گذشته سابقه نداشته است. میگوئل آنجل موراتینوس، وزیر خارجه اسپانیا نیز در این باره به شدت ابراز تاسف کرد. کارل بیلد، وزیر خارجه سوئد نیز گفت ما نمی توانیم سوء استفاده از گذرنامه های اروپایی را تحمل کنیم.

در دور بعدی، پلیس دوبی به گذرنامه های جدیدی رسید: شش گذرنامه انگلیسی، سه گذرنامه ایرلندی، سه گذرنامه فرانسوی و سه گذرنامه استرالیایی. پلیس دوبی حتی دی ان ای یکی از مظنونان و اثر انگشت چند نفر دیگر را کشف کرده است.

این ماجرا حتی به دستگیری کسانی هم انجامید. چه کسانی؟ دولت اردن دو فلسطینی را که مظنون به دادن اطلاعات در این مورد به تروریست ها هستند دستگیر کرده و به امارات متحده تحویل داده است. این شاید طنز تلخی باشد برای پایان دادن به این پرونده. اما بعید است این طنز تلخ تبعات شیرینی برای طراحانش داشته باشد.

■ **کور ش علیانی**



16:23	عصر	المبجوح هتل البستان را ترک می کند. مظنون دیگری او را تعقیب می کند.
16:25	عصر	داورون وارد هتل البستان می شود.
16:33	عصر	الوینگر وارد اتاق ۲۳۷ هتل البستان می شود.
16:40	عصر	الوینگر اتاق ۲۳۷ را ترک می کند و کلیدش را به داورون می دهد.
18:34	عصر	اعضای تیم ترور وارد هتل البستان می شوند.
18:41	عصر	دو عضو تیم نظارت، جایگزین دو عضو دیگر می شوند.
19:30	شب	الوینگر دوبی را با هواپیما ترک می کند.
20:00	شب	داورون که خودش را به جای یکی از کارکنان هتل جا زده، با ورود یک مهمان جدید به راهرو، به بقیه اعضای تیم علامت می دهد که دست نگه دارند.
20:24	شب	المبجوح به هتل باز می گردد.
20:46	شب	فولبارد و داورون مراقب راهرو هستند تا تیم ترور کارش را بکند.
20:47	شب	فولبارد و یک مظنون دیگر هتل را ترک می کنند.
20:51	شب	داورون از هتل خارج می شود.
20:52	شب	تیم های نظارت هتل را ترک می کنند.
22:30	شب	داورون و فولبارد دوبی را به مقصد می رود. ملوین می کنند. یوان دانیل هودس بعد از ۲ ساعت دوبی را به قصد آفریقا ترک می کنند. میشل بون هایمر و لئونارد کلازک بعد از ۱۲ ساعت به قصد فرانکفورت می رود. ملوین می کنند. یوان دانیل هودس بعد از ۱۰ ساعت به فرانکفورت پرواز می کند.

20 JAN 2010
13:30
بعد از ظهر
کارمندان هتل، جسد المبجوح را در اتاقش پیدا می کنند.